نشر دانش

مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده

با دو مقاله‌ی انتقادی از بوریس بودن و هیتو استیرل

والتر بنیامین | ترجمه‌ی ایمان گنجی، کیوان مهتدی

www.ketab.ir

...دهٔ ... دابعر ... ولیدکننده / والتر بنیامین / با دو مقاله‌ی انتقادی از بوریس بودن و هیتو
استیرل / ترجمه‌ی ایمان ... گنجی و کیوان مهتدی / ویرایش و آماده سازی متن: نشر چشمه /
طراح گرافیک مجموعه: سیاوش تصاعدیان / لیتوگرافی: باختر / چاپ: دالاهو / چاپ اول:
بهار ۱۳۹۳، تهران ... / شابک: ۵ ـ ۵۴ ـ ۶۸۴۶ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸ / حق چاپ و
انتشار محفوظ و مخصوص ... زاوش است. / دفتر مرکزی نشر زاوش: اکباتان، فاز ۱،
بازارچه‌ی ۷، پلاک ۳، تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴ / تلفن مرکز فروش (چشمه): ۶۶۴۹۲۵۲۴ /

سرشناسه: بنیامین، والتر، ۱۸۹۲ ـ ۱۹۴۰ Benja...
عنوان و نام پدیدآور: مؤلف به مشابه ... کن ...
والتر بنیامین: ترجمه ی ایمان گنجی، کیوان م...
مشخصات نشر: تهران: زاوش، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۷۹ ص.
شابک: ۵ ـ ۵۴ ـ ۶۸۴۶ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: سیاست و ادبیات
موضوع: ادبیات ـ ـ فلسفه
موضوع: نقد ادبی
شناسه‌ی افزوده: گنجی، ایمان، ـ ۱۳۶۵، مترجم
شناسه‌ی افزوده: مهتدی، کیوان، ـ ۱۳۶۵، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۸م ۹پ / PN ۵۱
رده‌بندی دیویی: ۸۰۹ / ۹۳۳۵۸
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۰۶۰۱۷۲

www.ketab.ir

فهرست

یادداشت دبیر مجموعه
۷
یادداشت مترجمان
۱۱
ف به مثابه‌ی تولیدکننده
۱۵
مفهوم تکنیک
۲۱
پت نو
۳۵
تئاتر اپیک
۴۳
یک اتحاد باواسطه
۴۹
پیوست‌ها
۵۳
قرائت دوباره‌ی «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» در شرق پساکمونیس
بوریس بودن
۵۵
مفصل‌بندی اعتراض
هیتو استیرل
۶۵

www.ketab.ir

یادداشت دبیرمجموعه

[illegible] کتاب حتا سرگرم‌کننده و مفرح، به‌یقین می‌تواند در حکم نقد ریشه‌ای هر فرهنگ ایدئولوژیک‌شده باشد. لیکن خود فرهنگ گاه چنان عمیق [illegible] که حتا بُرنده‌ترین کتاب‌ها نیز در آن هضم می‌شوند. [illegible] حتا حکمران «سیاست و فرهنگِ ترویج و تشویق کتابخوانی» [illegible] دست‌کاری را انجام می‌دهد. از این حیث، کتاب‌هایی که کالا [illegible] جز تکرار مکررات ندارند، در انواع و اقسام قطع‌ها، مطابق با منطق بازار عرضه می‌شوند. مثلاً ناشران تلاش می‌کنند راه برای فرهنگ و سیاستِ [illegible] کتاب بدانند، و بدین منظور کتاب‌هایی ـــ حتا گاه بدون هدفی معین [illegible] چاپ می‌رسند که فقط پاسخ‌گوی منطق بازارند. در این وضعیت [illegible] تمامیت پیدا می‌کند، غیاب، فقدان، و یک جاخالی در میان جریانی از کتاب‌ها ـــ در میان ردیف پیوسته‌ی قفسه‌های کتابخانه، ناگهان و به‌طور پیش‌بینی‌ناپذیری، یک فضای ته ظاهر می‌شود. این فضای تهی است که هر ایده و فکری می‌تواند حامل آن باشد. از این‌رو انتشار کتاب‌هایی با محتوا و فرم‌های ناهمگون، که زمانی حکمِ فقدانی را

www.ketab.ir

داشت، امروزه از فرط اشباع‌شدگی، بازار کتاب را رنگارنگ کرده است، و بالطبع هر ناشر یا دبیر مجموعه‌ای تلاش خود را صورت می‌دهد تا خواننده را متقاعد کند که دلیل انتشار این مجموعه چیزی نیست جز فقدان آن در بازار نشر. این تلاش همچون تقلای آدمی است که، به قول ویتگنشتاین، در اتاقی گرفتار شده است. او عرق‌ریزان مدام [illegible] به بیرون فشار می‌دهد، حال آن‌که در باز است و باید آن را به داخل کشید.

[illegible] مجموعه‌ی «پرتاب‌های فکر»، نه بر مقتضای بازار کتاب [illegible] بلکه با داعیه‌ی باز کردن فضای ته (به درون، نه بیرون) [illegible] پیوسته انبوه کتاب منتشر می‌شود. به تعبیر دیگر، در میان [illegible] ها و افکار به اصطلاح کهنه و نو، یک فکر یا ایده می‌خواهد [illegible] را داشته باشد که به سمت شیشه پرتاب می‌شود، زیرا را [illegible] هوا با [illegible] مسیر تَرَک و شکستگی در شیشه، می‌تواند فضای آ[illegible] از امر نو کند. این برخلافِ ایده‌های گاه آوانگارد ــ که بدیل د[illegible] محافظه‌کاری است ــ یا نوعی آنارشیِ خام آمیخته به نفیِ ایدئالیستی ا[illegible] که تنها [illegible] نجره، که درها و دیوارها را نیز تخریب می‌کنند؛ هر چند ممک[illegible] ــ در یک مقطع معینِ تاریخی تأثیر گذار هم باشند. ایده‌ای که موجب [illegible] تفکر و عقلِ این‌همانی‌کننده است، لاجرم، نوعی از نفی متعیّن است [illegible] خاصیتِ انضمامی‌اش به یک نگرش تاریخی ــ انتقادی مجهز [illegible]، و کتاب‌های پرحجم، کوچک، متوسط، یا هر اندازه‌ای از این زاویه باید قرائت شوند، وگرنه چیزی نیستند جز سرگرمیِ یک‌بارمصرف.

ذکر فواید این نوع تفکر، همچون برشمردن «خواص ویتامینی» محصولات نیروزای فلان کارخانه، فایده‌ای نخواهد داشت جز ته کردن

جوهر آن از جوهریت خود. بنابراین در این یادداشت تلاش نمی‌شود خواص این ایده‌ها و کتاب‌ها، یا بهانه و دلیل انتشار آن‌ها توضیح داده شود و تنها اشاره به بازکردن همان فضای خالی در میان قفسه‌ی کتابخانه‌ها کافی است.

اغلب ما در کودکی، از روی بازیگوشی یا شیطنت، شیشه‌ی پنجره‌ی همسایه را شکسته‌ایم و این درست برخلاف اعمال بزرگسالی است، دوره‌ای که در آن، به زعم والتر بنیامین، نقاب تجربه و پختگی چهره می‌زنیم. «پرتاب‌های فکر» چیزی نیست جز همین برداشتن نقاب شیطانه و پرطمأنینه‌ی فکری. از این‌روست که این کتاب‌ها گاه واجد ایده‌اند، نامتعارف، گاه شرح و تفسیرِ هدفمند، گاه قطعه ـ نوشته‌ای گذرا، اعم از ترجمه یا تألیف است، البته معطوف به یک نفی متعین تاریخی و درست، در مقابل نفی ایدئالیستی یا شرح و توصیف منسجم یک فکر در مکانیسم و ایدئولوژی ناب.

ایده‌ی انتشار چنین کتاب‌هایی از مدت‌ها پیش در ذهن ما بود، اما گاه بی‌رمقی و گاه مشغلات دنیای مانع از تجسم مادی آن‌ها می‌شد. اکنون ورود این کتاب‌ها به بازار نشر مصادف شده است با اشباع بازار از محتوا و فرم ـــ علی‌الخصوص در شکل‌های متعدد. این آثار دارای نگرش انتقادیِ تاریخی هستند و امیدوارند با این کار شده یا در نشر ایده‌ها و کتاب‌ها هضم شده و تحت عنوان مطالعاتی درآمده‌اند، اما در عین‌حال می‌خواهند حاملِ محتوایی نو، بدون مقصود باشند، محتوایی که چه‌بسا مقصود خود نویسنده نبوده است، بلکه خواننده‌ی منتقد آن را بازمی‌یابد.

امیرهوشنگ افتخاری را

www.ketab.ir

یادداشت مترجمان

... «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» در تابستان ۱۹۳۴، در دو ... سخنرانی بنیامین نزد برشت نوشته شده است. این مقاله ... از پرکارترین و پرتأثیرترین و پرمعروف‌ترین مقالات او، با نام «تاریخ خُرد عکاسی» ... نوشته شده، مقاله‌ای که بنیامین با آن تحلیل تکنولوژی و فرم‌های فرهنگی را آغاز کرد و اکنون بیش از هر چیز دیگر، دست‌کم در نظریه‌ی هنر و نظریه‌ی ادبی، بابت آن پرآوازه شده است. از آن‌جا که متن «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» خود به حد کافی گویاست، توضیح بیشتری در مقدمه نمی‌افزاییم. اما برای درکِ پیوستارِ تاریخی این متن با «تاریخ خُرد عکاسی» می‌توان کمی از این مقاله‌ی آخر سخن گفت.

بنیامین در «تاریخ خُرد عکاسی» به پرسش‌هایی اشاره می‌کند که با ظهور عکاسی سر برآوردند اما بی‌پاسخ گذاشته شدند. اکنون دوباره به واسطه‌ی بحران در دلِ صنعتِ سرمایه‌داری، مطرح شدند. بدین ترتیب، آن‌چه چارچوبِ کلیِ مقاله‌ی بنیامین را، دست کم در لایه‌ی زیرین آن می‌سازد، همین نقدِ صنعتِ سرمایه‌داری است.

www.ketab.ir

بااین‌حال، بنیامین بر اهمیتِ پیشرفتِ تکنیکی عکاسی تأکید می‌کند و می‌گوید که اختلاف این هنر با هنرهای سنتی بسیار زیاد و حتا تفاوتی ماهوی است. به عبارت دیگر، با رویکرد سنتی نسبت به هنرها، عکاسی اساساً قابل فهم نیست. وی می‌افزاید که میزانِ هنرمند بودنِ عکاس آن‌قدرها مهم نیست؛ عکاس هر چه هم هنرمند باشد، جادوی تصویر عکاسی از بنیان نسبت به «هنرمندیِ هنرمندش» مستقل است. بنیامین این جادوی تصویر عکاسی را مستقل عکس ارجاع می‌دهد: «گذشتگی»[1] که به قول بنیامین در یک تصویر یا ایماژ رخ می‌دهد و «بی‌واسطگی»[2]. وی سپس یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مفاهیم خود در این مقاله را، تحت عنوان «ناخودآگاه عکاسی» مطرح می‌کند و آن را به قابلیت عکس در تولید معنا یا دلالت، پیوند می‌دهد. او از دل این ایده‌ها دو سویه‌ی تاریخی و ا... برای عکس بیرون می‌کشد. ادراکی از آن‌رو که عکس چیزهایی را... بشری مرئی می‌سازد، که پیش از این مرئی نبوده‌اند و تاریخی از آن‌رو که دلالت گذشته در تصویر عکاسی دیگر نه توسط گذشته بلکه... در آینده آشکار خواهد شد. این جنبه از عکس، همان جنبه... بودنِ مورد نظر بنیامین در تصویر عکاسی است.

بنیامین بحث خویش را ادامه می‌دهد تا این‌که دست آخر به دلالت‌های سیاسی عکاسی می‌پردازد. او دلالت... عکس را به ماهیت تکنیکی ابزار بازنماییِ دوربین ربط... همان آزاد کردنِ دست از شرِ وظایف سنتی هنرمندانه. با محو نقش انسان در شکل دادن به تصویر عکاسی، دیگر رابطه‌ی میان فیگور

1. pastness

2. immediacy

www.ketab.ir

انسانی و محیط سکنا گزیدن او نیز محو می‌شود. و از آن‌جا که هاله‌ی اثر هنری در همان شیوه‌ای تولید می‌شود که یک ابژه خود را در معرض دید سوژه‌ی انسانی قرار می‌دهد، پس عکس با محو این رابطه «ابژه را از چنگ هاله نجات می‌بخشد.» این محو هاله را در مقاله‌ی اواخر دهه‌ی ۳۰ بنیامین، همان متن مشهور «اثر هنری در عصر بازتولیدپذیری مکانیکی آن» دیده‌ایم. بنابراین می‌توان حدس زد که چگونه در «تاریخ خُرد عکاسی»، عکس در مقام هنری تکنیکی به‌سرعت با سیاستِ چپ اتصال کوتاه برقرار می‌کند. بنیامین می‌نویسد که عکس را نباید بازنمایی، انعکاس یا چیزی از این دست، بلکه باید نوعی «ساختن» در نظر گرفت؛ زیرا وی عدم حضور دیگر انسان را نشانه‌ی این امر می‌داند که چیزی مصنوعی باید ساخته شده باشد. او به عبارت دیگر، مناسبات انسانی که این عکس‌ها در آن ایجاد می‌شوند باید ساخته‌شده در نظر گرفته شوند. اما این در نظر گرفتن به رسمیت شناختنِ ساختگی بودنِ مناسبات انسانی، بنیامین را به بحثِ «یادداشت‌نویسی بر عکس» یا همان «شرح عکس» می‌رساند، کاری که در مقاله‌ی پیشِ رو، «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» به آن تأکید دارد. بنیامین می‌نویسد اگر با محو هاله از خلال [illegible] اثر، اگر با جادوی تصویر عکاسی، اگر با به رسمیت شناختن [illegible] بودنِ مناسبات انسانی، تماشاگر آن شوکه می‌شود، باید این [illegible] تا انتها پیش برد و این‌جا است که نوشتن شرح بر عکس ضرورت [illegible] است. در صورت عدم رعایت این ضرورت، عکس صرفاً [illegible] باقی خواهد ماند و به آن‌چه بنیامین، پیرو برشت، «ادبی‌سازیِ شرایط زندگی» می‌نامد، دست نخواهد یافت. از این‌رو بنیامین

نوشتنِ شرح یا تحشیه را مهم‌ترین بخشِ عکاسی می‌داند و آن را نوعی «استحاله‌ی کارکردی» ــ در مقاله‌ی ترجمه‌شده در این کتاب مجدداً با این مفهوم مواجه خواهید شد ــ می‌بیند که عکس را قادر به برقراریِ «رابطه‌ای زنده و بی‌ابهام با زندگی مدرن» می‌سازد. بدین ترتیب، متن جایی تمام می‌شود که می‌توان آن را به‌خوبی [illegible] آغاز «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» دانست؛ سیاسی‌ترین مقاله‌ی [illegible] بنیامین در دهه‌ی ۳۰. با خواندنِ این مقاله، که گریز دوباره‌ای به [illegible] عکاسی دارد، اهمیتِ «ادبی‌سازی»، «استحاله‌ی کارکردی» و «[illegible] صف تعهد» برای بنیامین را درخواهید یافت.

در آخر باید اشاره کنیم که برای ترجمه‌ی فارسی «مؤلف به مثابه‌ی تولیدکننده» از دو ترجمه‌ی انگلیسی ادوارد جفکات و جان هکمن استفاده کردیم و در آن نیز به کمک امید مهرگان، متن را با اصل آلمانی آن تطبیق دادیم. از او سپاسگزاریم.

در پایان کتاب و به عنوان [illegible] دو مقاله پیوست شده‌اند: مقاله‌ای از بوریس بودن، روشنفکر [illegible] کرواسی آورده‌ایم که ایده‌ی قرائتی دوباره از این اثرِ بنیامین را مطرح می‌کند، و نیز مقاله‌ای از هیتو استیرل، هنرمند و نظریه‌پرداز هنر [illegible] ایده‌ی بنیامین را درباره‌ی مونتاژ سینما به کار بسته است؛ چه کار [illegible]، هر چه‌قدر هم شاخص، همواره در خطر بدل شدن به [illegible] که باره‌ای فرهنگی است.

ایمان گنجی، کیوان مهتدی

www.ketab.ir